

بررسی جامعه شناختی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده ها به جوانان در چهار دهه اخیر (مورد مطالعه : شهر تهران در سال ۱۳۹۷)

سهیلا مبارک^۱

زهرا حضرتی صومعه^۲

باقر ساروخانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه شناختی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده ها به جوانان در چهار دهه اخیر انجام پذیرفت. در تدوین چارچوب نظری پژوهش حاضر از نظریات برگر و لاکمن، اینگلهارت، گیدنز، گلاک و استارک سود جسته شده است. روش پژوهش، پیمایشی و از نوع توصیفی - تبیینی است. جامعه آماری شامل جوانان چهار دهه اخیر در شهر تهران بود و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۹۰ نفر به دست آمد که نمونه ها با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای و تصادفی انتخاب شدند. جهت گردآوری داده ها از تکنیک «پرسش نامه توام با مصاحبه و مشاهده» استفاده شد که با اعتبار محتوایی صوری و پایایی از طریق تکنیک آلفای کرونباخ ۰/۸۳ انجام یافت. یافته ها بیانگر آن است که فرهنگ دینی به طور معناداری با نهادینه شدن دین در خانواده رابطه مستقیم و معنی داری دارد. در بین گروه های سنی مورد مطالعه، تفاوت منفی و معناداری در فرهنگ دینی چهار دهه اخیر دیده شد. همچنین یافته های مستخرج از مدل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای آموزش های دینی، اعتقادات و باورها، تربیت، التزام و تعهد خانواده نسبت به دین از جمله عوامل تاثیر گذار و معنادار در انتقال فرهنگ دینی در چهار دهه اخیر به شمار می آیند.

واژگان کلیدی: فرهنگ دینی، جوانان، خانواده، دینداری و نسل

^۱ دانشجوی دکتری، جامعه شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Hazrati14@yahoo.com

^۳ استاد، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

فرهنگ در زندگی بشر همواره امری جاری است. افزون بر این، فرهنگ بالنده برای تکامل باید توانایی تبادل با سایر فرهنگ ها و جذب ویژگی های مثبت آنها را داشته باشد. بنابراین تمام فرهنگ ها با یکدیگر در تعامل اند تا بتوانند بشر را به پیشرفت مطلوب برسانند. تازگی آموزه ها و زندگی فرهنگی بشر، ضرورتا ایجاب می نماید که جامعه انسانی در پیشبرد ارزش ها و پیمودن مسیر پر پیچ و خم دنیای نوین تلاش مضاعفی از سوی تمامی نهادها بخصوص خانواده ها به عنوان طلایه داران جامعه در پیش گیرد. خانواده، موثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که پیوسته در حال تاثیر پذیری و تاثیر گذاری دو سویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی می باشد. انسان ها در خانواده به هویت و شخصیت دست می یابند و به تکامل معنوی و اخلاقی می رسند. از این رو، خانواده نه تنها عامل کمال بخشی و آرامش و بالندگی اعضای خویش است، بلکه در دگرگونی های اساسی جوامع، نقش مهمی ایفا می کند. با وجود آنکه فرهنگ به کلیه آموخته های بشری که شامل الگوهای ذهنی، عملی و معانی مشترک میان افراد یک گروه، طبقه یا جامعه که به زندگی و شیوه های آن شکل داده و در طول زمان در حال ساخته شدن و پرورش یافتن است، اطلاق می گردد، جوهره اصلی فرهنگ شامل ارزش ها و هنجارهایی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل و باعث تداوم و قوام جامعه می گردد. یکی از اصلی ترین عناصر فرهنگ که به جامعه پذیری و شکل گیری باورها و اعتقادات کمک می نماید در قالب فرهنگ دینی مطرح است. فرهنگ دینی، بخش انسان ساخته ساخت دینی زندگی بشر است.

دین، فرهنگ و خانواده، تبادلات و تعاملات زیادی با یکدیگر دارند و در فرآیند کنش و واکنش با یکدیگر شکل می گیرند و حیات جامعه را تامین می کنند. این امر به ویژه در جامعه اسلامی که دین نقش مهمی در ارکان مختلف جامعه دارد، حائز اهمیت است. در حقیقت در جامعه اسلامی دین به شکل یکی از نظام های اثربخش و قدرتمند فرهنگ جلوه می کند. در خانواده های ایرانی نیز دین همواره یکی از عناصر اصلی و سازنده فرهنگ و یکی از عوامل مهم در شکل دهی به تغییرات و دگرگونی های جامعه ایران بوده است (معیدفر، ۱۳۷۹: ۶۶).

دین در چارچوب درون گرایانه خود کارکرد یگانه ساز^۱ میان معنی و معنویت فراهم و به درونی شدن فرهنگ کمک می نماید. جایگاه فهم و دریافت معانی، ذهن افراد است. حیات درونی افراد در عین حال که

^۱ Integration

خاستگاه معانی است، حامل معانی نیز می باشد- فرهنگ در همین حوزه رشد و نما پیدا می کند و تغییر می یابد (مطهرنیا، ۱۳۸۸). ذهن افراد، محصول فرهنگی است که آموخته می شود و بعد از دوره اکتساب، حامل فرهنگ و در فرآیند تعامل اجتماعی گاه، مولد آن می شود. این وجه فرهنگ، فرهنگ درونی شده است. امری چون اعتقادات، ارزش ها و گرایش ها که به عنوان فرهنگ یا بخشی از آن یاد شده است، حوزه ای از فرهنگ است که جایگاه اصلی اش، درون یا ذهنیت افراد است. به این حوزه که طی فرآیند تربیت در قالب نمادها، از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، انتقال فرهنگی^۱ می گویند. دین در چارچوب این معنا به دلیل پذیرش قلبی، سویه گیری ارزشی اعتقادی فرهنگ را تعمیق و فرهنگ دینی، پذیرش آئین، ارزش ها و اعتقادات را آسان می سازد. دین مانند هر پدیده اجتماعی متأثر از مسائل اجتماعی و در جریان فرایند تولید و بازتولید می باشد. فرهنگ دینی بخصوص در ایران که گذشته تاریخی طولانی داشته و با ادیان زرتشت و اسلام در آمیخته، پرورده شده و طی نسل های متمادی به نسل حاضر رسیده است. فرآیند شکل گیری فرهنگ دینی در طی چهل سال اخیر که مد نظر بوده با تغییرات به نسبت قابل توجه ای رو به رو گشته است. در طول سال های اولیه انقلاب اسلامی، دین در فضای فکری و عملی جان گرفت تا با بازگشت به اصول اولیه دین چرخشی در منش و روش های دینی افراد به وجود آورد. این تغییرات اجتماعی عمده وارد زندگی روزمره افراد گشت و حتی کوچکترین موارد همچون نوع پوشش افراد، گفتار، رفتار و ... را تحت تأثیر قرار داد. این فرهنگ نمادی شده که از طریق آموزش های رسمی، وسایل ارتباط جمعی، آثار هنری، کتب و نوشته ها در گستره وسیع فرهنگی پذیرفته شد و در فرآیندی فرهنگ پذیری دینی را تسهیل نمود. نسل های اول انقلاب توجه فراوانی به اصول و مبانی دینی و اسلامی داشتند و شیوه تفکر، منش و زندگی فردی و اجتماعی مردمان دهه اول پس از انقلاب تحت تأثیر ارزش ها و اصول دینی قرار گرفت؛ به طوری که پای بندی به اصول و موازین اسلامی حتی در جزئی ترین موارد زندگی شان مثل ایثار و از خودگذشتگی، نامگذاری کودکان متولد شده دهه های ۵۰-۶۰، توجه به اصول و فروع دین، شرکت فعال در مساجد و نمازهای جماعت، پوشش ظاهری و حجاب و ... در وجه ظاهری و پایبندی به موازین اعتقادی و مناسکی فراوان به چشم می خورد. این امر به انسجام دینی و اجتماعی و به تعبیر کارکردی دارای بار مثبت و عملکرد بود و جامعه را در حالت ثبات لازم قرار می داد، اما چون فرهنگ تغییر بطنی و کندی را دارد و با تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توأمان در ارتباط تنگاتنگی می باشد، پس از دهه ۷۰ به این سو که جامعه با تحرک و خیز اقتصادی، علمی و فناوری های روز همراه شد، تغییرات

^۱ Cultural Transmissiom

کمی و کیفی در نحوه دینداری نسل های بعدی مشاهده می شود. در جامعه ایرانی از دیرباز، مسئله توجه به دین و آموزش ارزش ها، هنجارهای دینی و اعتقادی و آداب و رسوم و مناسک دینی از نسلی به نسل دیگر بسیار اهمیت داشته است. با عنایت به جوان بودن نسبی جامعه ما و سیر توجه بیشتر در جهان به مسائل مذهبی، توجه به این مقوله بیشتر احساس می گردد. اما مسئله و مشکلی که جامعه معاصر ایران با آن مواجه شده این است که در میان نسل جدید بخصوص نوجوانان و جوانان، مسئله توجه به ارزش ها و هنجارهای دینی و فراگیری و التزام به آنها کم رنگ شده است و به نظر می رسد این نسل، درگیری کمتری با موضوع دین دارد و التزام و تعهدات نسل های پیشین را نسبت به موضوع دین ندارد؛ به طوری که بعد از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب، اختلافاتی در زمینه نگرش ها، اعتقادات و مناسک دینی به وجود آمد و موجب برخی قضاوت ها و گفتمان ها در عرصه و ابعاد دینداری شدند تا جایی که عده ای از افراد و مسئولان، وضعیت دینداری جوانان نسل جدید را ضعیف و بحرانی تلقی می نمایند. با توجه به اینکه درصد زیادی از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می دهند، دغدغه و نگرانی تضعیف ارزش ها و هنجارهای دینی در میان این نسل، مسئله ای قابل بررسی و تحقیق است تا دریابیم که چهار نسل بعد از انقلاب اسلامی جامعه معاصر ایران تا چه اندازه اهتمام، التزام و تعهد به فرهنگ دینی دارند. این مسئله در کلان شهری مانند تهران با جمعیت ناهمگون و قومیت های مختلف با فرهنگ ها و اعتقادات گوناگون، جنبه های پیچیده و حادثتری به خود می گیرد و هر یک از عوامل اجتماعی شدن در این شهرها در انجام وظایف خود دچار تغییراتی می شوند.

اهداف پژوهش

هدف کلی

بررسی جامعه شناختی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده در چهار دهه اخیر (بررسی موردی: شهر تهران)

اهداف جزئی

- بررسی نوع آموزش های ارائه شده در خانواده و انتقال فرهنگ دینی
- بررسی رابطه بین اعتقادات و باورهای افراد و انتقال فرهنگ دینی
- بررسی رابطه بین پایبندی و التزام خانواده و انتقال فرهنگ دینی
- شناخت نهادی شدن اخلاق دینی در خانواده و انتقال فرهنگ دینی
- بررسی رابطه بین سبک تربیتی خانواده و انتقال فرهنگ دینی

- بررسی رابطه بین متغیر زمینه ای (سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی و منزلت و وضعیت اقتصادی) با انتقال فرهنگ دینی

پیشینه پژوهش

در زمینه این موضوع، چه در داخل و چه در خارج از کشور مطالعاتی وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

حسینی و حضرتی صومعه (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی مطالعه جامعه شناختی انتقال بین نسلی فرهنگ دینی از طریق خانواده در جامعه معاصر ایران (مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر کرج سال تحصیلی ۹۴-۹۵) پرداخته‌اند. نتایج نشان داد انتقال فرهنگ دینی در میان نوجوانان جامعه معاصر ایران نسبتاً ضعیف است. از میان عوامل مؤثر در جامعه پذیری، خانواده و گروه‌های اجتماعی در انتقال فرهنگ دینی تأثیر بیشتری دارند. همچنین اگر چه دو بعد اخلاقی و عاطفی در میان نوجوانان جامعه معاصر ایران ضعیف‌تر از ابعاد اعتقادی و مناسکی است، اما خانواده و والدین در انتقال تمام ابعاد دینداری مؤثرند (حسینی و حضرتی صومعه، ۱۳۹۵).

آقا محمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان» نشان می‌دهد که نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی فرزندان تأثیر مستقیم و رعایت آداب دینی از سوی والدین با تربیت دینی فرزندان آنها رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش رابطه بین ساده زیست بودن والدین با تربیت دینی فرزندان را در سطح قابل قبولی نشان داد (آقامحمدی، ۱۳۹۲).

احمدی (۱۳۸۸) در یک پژوهش به بررسی وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها پرداخته است. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین دو نسل در ابعاد مناسکی و پیامدی دینداری و نگرش به آینده دین وجود دارد. البته تفاوت معنی‌داری میان دو نسل در متغیرهای بعد اعتقادی و تلقی از مذهبی بودن افراد در آینده وجود ندارد. در زمینه نگرش به آینده مذهب، تلقی نسل بزرگسال بهتر از نسل جوان بوده است که این نشان از تضعیف برخی آموزه‌ها و هنجارهای دینی در میان نسل جدید دارد (احمدی، ۱۳۸۸).

بحری پور (۱۳۸۷) در پژوهش «تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی دانشجویان بر میزان دینداری آنان» به نتایج زیر دست یافت؛ به طوری که میانگین میزان پایبندی دانشجویان به هر یک از ابعاد چهارگانه دینداری (اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی) بر اساس پایگاه اقتصادی اجتماعی شان متفاوت است. بین منزلت

شغلی پدر، درآمد سرانه خانوار و تحصیلات والدین، جنس و سن با میزان دینداری دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد (بحری پور، ۱۳۸۷).

مهدوی (۱۳۷۹) در پژوهشی میزان دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن مورد سنجش قرار داد. یافته های پژوهش نشان می دهد که وسایل ارتباط جمعی، تنها ماهواره و اینترنت اثر معنی داری بر دینداری داشته اند. خانواده بیشترین تأثیر را بر دینداری جوانان نشان داده و بعد از آن، مدرسه، عام گرایسی و روحانیت، مهمترین متغیرها در این رابطه محسوب شده اند (مهدوی، ۱۳۷۹).

مولینز^۱ (۲۰۱۶) در تحقیق «تأثیر مذهب بر ثبات خانواده»، به تأثیر مذهب بر دوام زندگی خانوادگی پرداخته است. نتایج بیانگر آن بود خانواده هایی که به طور مرتب و هفتگی در مراسم کلیسا شرکت می کردند، در انجمن های خیریه فعال بودند، پایبند انجام تشریفات اولیه مثل غسل و تعمید فرزندان و... بودند و در اجتماعات مذهبی شرکت داشتند، از سلامت روانی و اجتماعی بیشتری برخوردار بودند و فرزندان آنها نیز در بزرگسالی تمایلات مذهبی بالاتری را نسبت به دیگر افراد از خود نشان می دادند (Mullins, ۲۰۱۶).

کزدی^۲، مارتوس^۳، بولاند^۴ و هورواس^۵ (۲۰۱۰) در مطالعه ای بر روی ۳۰ نفر دانش آموز ۱۵-۲۵ ساله مجارستانی دریافتند که آنها به سبب شک داشتن به مذهب و عدم انجام مراسم و تشریفات مذهبی میزان اضطراب و افسردگی بالاتری را نسبت به دانش آموزان دیگری که تشریفات مذهبی را رعایت می کردند نشان دادند (مارتوس، بولاند و هورواس، ۲۰۱۰).

مطالعات بری ولمن و همکاران (۲۰۱۰) در مورد اثرگذاری رسانه بر شکل گیری هویت دینی نشان داد که تأثیرات رسانه در رفتار و ایدئولوژی انعکاس داده می شود که این به نوبه خود هویت اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد. همچنین، در این پژوهش هویت به عنوان یک فرآیند پویا در نظر گرفته می شود که تحت تأثیر عوامل گوناگون، شکل های متفاوتی به خود می گیرد (بری ولمن و همکاران، ۲۰۱۰).

وینک^۶، سیسییالا^۷، دیلون^۸ و تراسی^۹ (۲۰۰۷) در پژوهشی مطرح کردند که در اواخر نوجوانی، مذهبی بودن رابطه مثبت با وظیفه شناسی و سازگاری دارد و جستجوی معنویت با باز بودن برای تجربه، رابطه مثبت

^۱ Mullins

^۲ Kézdy

^۳ Martos

^۴ Boland

^۵ Horváth

^۶ Wink

^۷ Ciciolla

^۸ Dillon

^۹ Tracy

داشت و مذهبی بودن در نوجوانی با خوشایندی در طول زندگی قابل پیش بینی است (وینک، سیسیلا، دیلون و تراسی، ۲۰۰۷).

با توجه به تنوع و گستردگی تحقیقات در حوزه های دینی و فرهنگ دینی به نظر می رسد که در تمامی تحقیقات بر ابعاد مشخصی تاکید گردیده است. تلاش و تاکید مضاعف بر وجهه روانی و روانشناختی دین و تسری دادن آن صرفا به عوامل درونی و فردی موردی است. در پژوهش های داخلی با اهتمام بر اینکه دین یکی از مهمترین ارکان وجوه زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان به شمار می آید و در تمامی ابعاد زندگی ایفای نقش می نماید، اغلب به شاخص های ساده و عینی اکتفا می شود و این مسئله بررسی دقیق دینداری و فرهنگ دینی را با دشواری مواجه می سازد. روش های انتخاب شده برای بررسی از نوع تحقیقات توصیفی و ابزار به کار رفته، پرسشنامه محقق ساخته می باشد. ظرافت و توجه به موضوع از آنجایی بیشتر نمایان می شود که ابعاد مورد بررسی و سنجش ابعاد آن با توجه به انتزاعی، پیچیدگی، چند بعدی بودن و ایستارهای فرهنگی - اجتماعی خاص در حوزه دین که با تفاسیر متعدد و برداشت های گوناگون همراه و بررسی آن را با دشواری مواجه می نماید. بررسی دینداری و فرهنگ دینی، روش شناسی خاصی را می طلبد که بتوان با مفاهیم ساده، روان و منطبق با واقعیت های پیچیده اجتماعی و فرهنگی به سنجش این پدیده پرداخت.

چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر دیدگاه های نظریه پردازان متعددی از حوزه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت، اما دیدگاه برگر و لاکمن و الگوی دینداری گلاک و استارک، آنتونی گیدنز و اینگلهارت با این پژوهش همخوانی بیشتری دارند.

در الگوی گلاک و استارک به رغم آن که ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوت اند، اما حوزه های کلی دارند که دینداران در آن حوزه ها و یا آن ابعاد جلوه گر می شوند (حضرتی صومعه، ۱۳۹۵). آنها برای دینداری چهار بعد اصلی «عمل»، «باور»، «تجربه»، «دانش یا معرفت» را با عنوان ابعاد عمومی الزام دینی مطرح کرده اند (گنجی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). در بررسی ابعاد دینداری گلاک و استارک به موارد زیر اشاره شده است.

۱. بعد باور: آن چیزی است که انتظار می رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین به سه نوع تقسیم کرده اند: «باورهای پایه ای مسلم» که ناظر بر

شهادت به وجود خدا و معرفی ذات و صفات اوست. « باورهای غایت گرا» که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش او در راه نیل به این هدف است. باورهای «زمینه ساز» که روش های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند، دربرمی گیرد. این بعد باور یا عقیدتی است.

۲. بعد مناسکی (عمل): نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به صورت مناسک نمود عینی می یابند. «تمام ادیان بنابر اقتضای نوع الهیات خود، نحوه خاصی از عمل و زیست را بر مؤمن الزام می کنند... که همان عمل دینی است. این عمل خواه ناخواه، در پرتو نظام فقهی و اخلاقی سامان می پذیرد» (طالبان، ۱۳۷۹: ۵۲۷). بعد عمل یا مناسک، اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت های فردی، نماز، روزه، صدقه، زکات و ... را دربرمی گیرد. گلاک و استارک در تشریح بعد مناسکی بر این نکته تأکید کرده اند که در عملیاتی کردن این بعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت های مناسکی، تفاوت های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی می شود. از نظر امیل دورکیم، تمامی مناسک و اعمال دینی در ادیان « کارکرد اجتماعی دارند و هدف آنها زنده نگه داشتن حس تعلق به گروه و مواظبت از اعتقاد و ایمان است» (آرون، ۱۳۷۷: ۴۰۵).

۳. بعد تجربه: تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی، وجه عالی تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی می باشد و برخلاف مناسک و مراسم آیینی نمود بیرونی ندارد. دیندارانی که این بعد را کسب می کنند، «مخلص» نامیده می شوند.

در واقع تجربه « واقعه ای است که شخص خواه به عنوان عامل و خواه به عنوان ناظر، آن را تجربه می کند و نسبت به آن آگاه و مطلع است. تجربه دینی را غیر از تجربه های متعارف می دانند؛ یعنی شاخص متعلق به این تجربه یا وجود حضوری مافوق طبیعی دارد یا آن را موجودی می انگارد که به نحوی با خدا مربوط است و یا آن را حقیقتی غایی می پندارند، حقیقتی که توصیف ناپذیر است (پترسون، ۱۳۸۳: ۶۳)

گلاک و استارک تجربه دینی را چندین نوع می دانند:

تأییدی^۱: حس مؤدت و تأیید به وجود خدا؛

ترغیبی^۲: گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او؛

شیدایی^۳: حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا؛

^۱ confirming
^۲ Responsive
^۳ Ecstatic

و حیانی^۱: مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خداوند بودن (مهدی زاده، ۱۳۷۹: ۲۵).

۱. بعد دانش: بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است. تفاوت این دو بعد، مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بعد دانش است. معرفت دینی، آگاهی به متون دینی است که می تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد. از نظر گلاک و استارک، بعد معرفتی پیرامون مطالبی است که مردم از طریق عالمان دینی درباره مذهب می آموزند.

۲. بعد پیامدی: این بعد، به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد. از جمله این که بعد پیامدی فی نفسه پیامد دینداری است، نه بعدی از ابعاد آن. بعد پیامدی دینداری که با این انتقاد از الگوی دینداری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش های بشر است. این بعد، نقش چندانی در جهت گیری انسان ندارد، بلکه خود، تابع ساختارهای اجتماعی است. از نظر این دو محقق، «بعد پیامدی جدا از سایر ابعاد قابل بررسی نیست. رفتارهای دینی می توانند در معنای پیامدی سنجه ای از دینداری باشند که منجر به استواری ایمان مذهبی می شوند. آنجا که منجر شود تا از باور، اعمال، تجربه و دانش دینی پیروی شود (منبع پیشین: ۴۳)

الگوی دینداری گلاک و استارک، از نخستین الگوهایی است که بسیاری از الگوهای دینداری بعدی، ابعاد خود را از آن وام گرفته اند.

به نظر برگر و لاکمن موضوع جامعه شناسی شناخت، بررسی رابطه ساخت یا زمینه اجتماعی و اندیشه فرد یا به طور کلی تعیین اندیشه و شناخت انسان است. (حضرتی صومعه، ۱۳۹۵: ۱۳۳)

برگر و لاکمن معتقدند که یک نظام معنی مشترک واقعیات روزمره را به عنوان امری بدیهی و مسلم برای انسان ها متصور است. این نظام بدیهی در طول زمان به کندی تغییر می پذیرد. آنها اعتقاد دارند که افراد در تعامل اجتماعی و موقعیت های رو در رو الگوهای پیش ساخته ذهنشان را درک می کنند و ارگانیزم انسانی در تعامل با محیط، مراحل تکامل خویش را طی می کند. رابطه انسان با دنیای اجتماعی، رابطه ای دیالکتیکی است. این دیالکتیک با انتقال دنیای اجتماعی به نسل جدید به وجود می آید. در این مرحله است که دنیای نهادی نیازمند مشروعیت است، زیرا در جریان انتقال واقعیات، دنیای پرمایگی و انباشت به وقوع می پیوندد (حسین زاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۲).

^۱ Revelation

انحراف از هنجارها زمانی رخ می دهد که نهادها به واقعیت هایی تبدیل شده باشند که پیوندشان را با زمینه های ارتباطی خویش در فرآیندهای اجتماعی مشخصی که از آنها پدید آمده اند گسیخته باشند (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۱۷۴)

از نظر برگر، مفاهیم جهان مذهبی با فرآیندهای خاص، با عنوان «ساختار توجیه گری» اعتبار خود را حفظ و تحکیم می کنند. اگر این ساختار تضعیف شود و یا از بین برود، تسلط اعتقادات مذهبی هم بر اذهان انسان ها به آسانی از دست می رود. از آنجایی که مقررات، نقش ها، الزام ها و نهادهای اجتماعی بسیار شکننده اند، نیاز است که پیوسته یادآوری گردد که چه باید کرد و باید معانی متبلور در فرهنگ و نهادها همیشه به ما گوشزد گردد. این یادآوری را مناسک برای ما انجام می دهند. اجتماع مذهبی نقش مهمی در تداوم باور پذیری ایفا می کنند. برگر به نقش توجیه مذهبی تاکید می کند و این را یکی از مهمترین دژهای بشر در برابر بی هنجاری در سراسر تاریخ می داند (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

برگر و لاکمن اشاره دارند که ارگانیزم انسانی در تعامل با محیط، مراحل تکامل خویش را طی می کند و رابطه انسان با محیط رابطه ای دیالکتیکی است. این دیالکتیک شامل تبادلات پدیده های اجتماعی با هم است. در جریان این دیالکتیک و تبادلات، معانی از طریق فرمول های توجیه کننده مختلفی تفسیر و تبیین می شوند. در زندگی گذشته دین این تبیین توجیه گری را به خوبی انجام می داد، اما در دنیای امروز، با پیدایش زیست جهان های متعدد نقش دین رو به کاهش رفته و در حوزه دین، دنیاهای فرعی متعدد و رقیب هم، شکل گرفته اند؛ از جمله رسانه ها، شغل، تحصیلات و... این دنیاهای فرعی متعدد به کاهش اعمال مناسکی دینی انجامیده است. بنابراین تجربه دینی متفاوت تاثیر های متفاوتی در پی خواهد داشت. توصیفات درباره دین و فرهنگ دینی اغلب الگوها و محتواهای یکسان را با عبارات اندکی متفاوت شرح و شباهت های بسیار را با هم نشان می دهند. به همین دلیل، الگوهای سنجش دینی در بسیاری از ابعاد محتوای یکسانی دارند و غالباً در سه سطح سنجش دینی پرداخت می شوند:

اولین سطح با زندگی افراد یا همان اعمال و شعائر است.

دومین سطح درونی تر به ایده ها و عقاید و سطح سوم تجربه دینی با توجه به تجربه درونی و بیرونی افراد در زندگی اجتماعی آنان است. بر این اساس، با توجه به الگوی گلاک و استارک به تفکیک سه وجهی از ابعاد فرهنگ دینی را در بین خانواده ها پرداخته شده است که به شرح زیر تقسیم بندی می شود:

۱. بعد اعتقادی یا باوری خانواده که شامل باور به خدا، توحید و سایر اصول است.

۲. بعد مناسکی یا اعمال دینی است که برخی شامل واجبات و برخی مستحبات است.

۳. بعد پیامدی انتقال فرهنگ دینی که در عصر حاضر را در بر می گیرد.

همان گونه که از نظریات برگر و لاکمن استنباط می شود، دینداری و فرهنگ دینی ابعاد و مظاهر عینی و ذهنی دارند که انجام و پای بندی به آنها از ضروریات اساسی هر جامعه ای است. باور به وحدانیت، انجام

مناسک و پیامدهای ناشی از اعمال و تعهد دینی که در جامعه بروز آنها به شکل گیری رفتارها می انجامد و عملکردهای افراد جامعه را تنظیم و تعدیل می نمایند. در گذشته، دین حالت توجیه گری و حفاظت از آسیب ها را به خوبی بر عهده داشته و با توجه به زیست جهان های محدود می توانسته نقش اساسی را در فرآیند اجتماعی کردن افراد برعهده داشته باشد. در حال حاضر، از این نقش دین کاسته گردیده و دنیاهای فرعی و رقیب توانسته دنیای جدیدی را شکل بخشند. تجربیات دینی افراد تحت تاثیر این نظام های متفاوت و متضاد قرار گرفته و دین نیز قادر به جای دادن همه این نظام های معنی جدید نبوده است. فرهنگ دینی کسب شده در چهار دهه اخیر با دگرگونی های وسیعی رو به رو گشته است.

از دیدگاه گیدنز، خانواده و خویشاوندی و آنچه را که وی «کیهان‌شناسی مذهبی»^۱ می‌نامد، دو رکن اصلی زمینه ساز اعتماد در دنیای پیش‌مدرن هستند که امنیت وجودی را پدید می‌آورند. «خویشاوندی، شبکه پابرجایی از روابط دوستانه و پیوندهای اجتماعی اعتمادپذیر را موجب می‌شود که تضمین کننده انجام تعهدات از سوی اشخاص بدون نیاز به علاقمندی شخصی در بین آنهاست. دین نیز با ارائه تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی اجتماعی، امنیت را ارائه می‌کند و به رویدادها و تجربه‌ها اعتماد تزریق می‌کند» (گیدنز، ۱۳۹۰: ۱۲۲). به نظر گیدنز، اختلاف بین نسل‌ها در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن است. هر نسلی در واقع نوعی به حساب آوردن تیره‌ای از آدمیان است که زندگی فردی را در مقطعی از زندگی‌های گروهی جای می‌دهد. با این حال در عصر جدید، مفهوم نسل رفته رفته فقط در برابر پس‌زمینه‌ای از زمان استاندارد شده معنی پیدا می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۲۰۷). گیدنز در اینجا علاوه بر عنصر زمان، به فرار بودن جامعه به عنوان ویژگی جوامع متجدد و نیز نوعی مرخص شدن از گذشته توجه دارد. نکته قابل تأمل در اندیشه گیدنز در این ایده نهفته است که نسل جدید به لحاظ اخلاقی نسبت به نسل قبلی دچار مشکل شده است. وی در پاسخ به این پرسش که آیا شاهد ظهور یک نسل «من» خواهیم بود که ارزش های مشترک و علائق عمومی را نابود می‌کنند و در آنها فردگرایی مفرط و شدید وجود خواهد داشت، بیان می‌کند که نسل «من» توصیف گمراه‌کننده‌ای از فردگرایی جدید است که نشانه‌ای از یک روند فساد اخلاقی به دست نمی‌دهد؛ در واقع برعکس، بررسی‌ها نشان می‌دهند که نسل‌های جوان امروز نسبت به نسل‌های پیشین به مسائل اخلاقی بسیار بیشتر حساس هستند. اما آن‌ها این ارزش‌ها را به سنت ربط نمی‌دهند یا شکل‌های سنتی اقتدار را به مثابه عامل تعیین‌کننده هنجارهای شیوه زندگی نمی‌پذیرند. به عقیده وی به جای اینکه به دوره خودمان به عنوان «یک عصر انحطاط اخلاقی» بنگریم، منطقی است که آن را به عنوان «یک عصر انتقال اخلاقی» در نظر بگیریم (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۳). بررسی دقیق نظریه گیدنز درباره

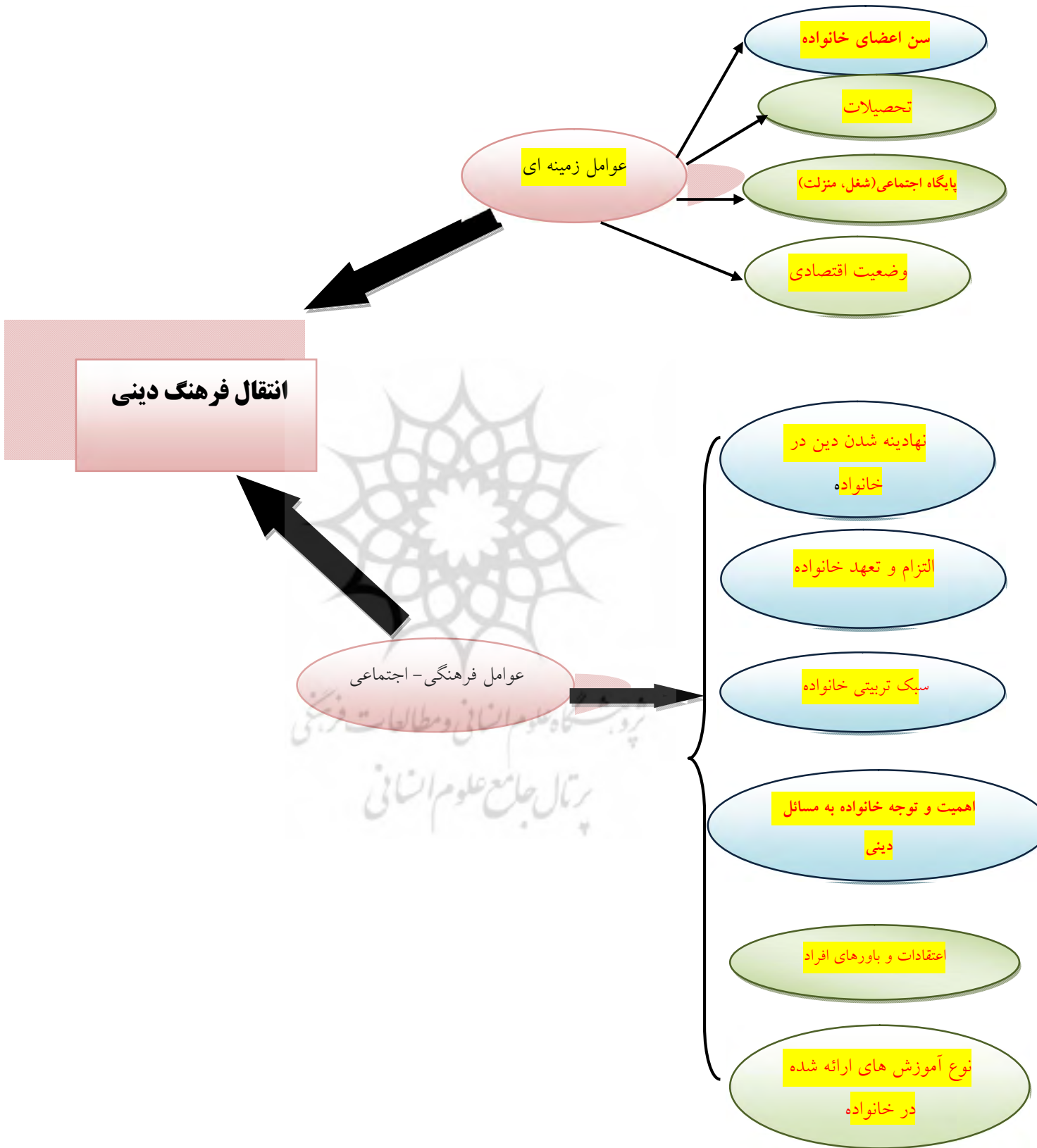
^۱ -Religious cosmology

نسل حاکی از آن است که وی شکاف و تعارض بین نسلی را کاملاً رد می‌کند و بیشتر توجه خود را به تفاوت بین نسل‌ها معطوف می‌کند و به تفاوت بین نسل‌ها به دید مثبت می‌نگرد. این بدان معناست که وی تفاوت میان نسل‌ها را یک امر طبیعی می‌داند که به دنبال تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری به وجود آمده در جامعه نمود پیدا می‌کند. وی حتی از این نیز پا فراتر گذاشته و دگرگونی‌های بوجود آمده در هنجارها و نگرش‌های نسل‌های جدید را نشانه تحول و اعتلای فرهنگی جامعه می‌داند.

از دید اینگلهارت نیز با افول جهان بینی سنتی نیاز به مسئله هماهنگی شناختی به وجود می‌آید. افراد در پی آن هستند که جهان بینی شان را با تجربه روزانه شان همسان نمایند. از این رو در جوامع پیشرفته، مفهوم خدا به منزله ساعت ساز بزرگی است که جامعه را خلق کرده، سپس آن را ترک نموده و به حال خویش واگذاشته تا مستقل عمل کند. از این رو هر چه بار کنترل بشر به محیط افزوده گردید، نقشی که به خدا نسبت داده شد، تضعیف گردید (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۰۴). زوال ظاهری هنجارهای اجتماعی و مذهبی سنتی با تحول از ارزش‌های مادی به فرامادی، در ارتباط است. تحول به سدی فرامادیگری و افول اشکال سنتی مذهب، دو اتفاق همراه هستند، زیرا هر دو یک حالت مشترک دارند: سطح بی سابقه امنیت فردی در جامعه پیشرفته صنعتی معاصر (همان منبع: ۲۳۴)، در بین نسل جدید ایرانی نیز به اصول و موازین دینی برخورد می‌کنیم که آزادانه تر و سهل گیر نسبت به دینداری والدین شان است، تاکید گذشتگان بر اصول و فروع دین کمتر در بین جوانان دیده می‌شود؛ بسیاری از جوانان مقتضیات و مسائل مطرح شده در قرآن را پذیرفته اند اما مطمئن نیستند که این مقتضیات برای همگان الزام آور باشد یا نیازی به انجام آن داشته باشند، به بهشت و جهنم تا حدودی معتقدند، به جهان پس از مرگ فکر می‌کنند اما هنوز دچار شک و دو دلی هستند و دعا و نیایش را پذیرفته اند، اما آن را فردی و شخصی می‌دانند. این تغییرات را تا حدودی مربوط به جهان مدرن و آگاهی حاصل از آن می‌توان دانست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مدل نظری پژوهش



فرضیه های پژوهش

۱. بین متغیرهای زمینه ای (سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی و وضعیت اقتصادی) خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین سبک تربیتی خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین التزام و تعهد خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین نوع آموزش های ارائه شده در خانواده ها و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین نهادینه شدن دین در خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۶. بین اعتقادات و باورهای افراد در خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۷. بین اهمیت و توجه به دین در خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی، از نظر هدف، یک بررسی کاربردی^۱، از نظر وسعت پهنانگر^۲ و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی^۳ است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه جوانان شهر تهران است که متولدان دهه ۵۰ تا ۸۰ را در بر دارد. تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران تعداد ۳۹۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه گیری این پژوهش، از نوع خوشه ای و تصادفی ساده بود. ابزار اصلی گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته و ابزار مصاحبه و مشاهده است. اعتبار استفاده شده در این پژوهش، اعتبار صوری^۴ پرسش نامه تکمیل شده بود که با استفاده از راهنمایی های مشاوران و متخصصان علوم اجتماعی و دینی انجام پذیرفت. همچنین میزان پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برآورد گردید؛ بدین صورت که در پرسش نامه اولیه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و پرسش نامه اولیه ی تحقیق در بین نمونه ای شامل ۴۰ نفر از افراد واجد شرایط تحقیق قید شده شهر تهران کاملاً به طور تصادفی (پیش آزمون) انجام و سپس از طریق نرم افزار (SPSS ۲۲) برای هر کدام از ابعاد فرهنگ دینی گویه های آنها از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد. ضریب آلفای شاخص های این پژوهش به ترتیب زیر می باشد:

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ (α) مربوط به قابلیت اعتماد مقیاس دینداری

گویه ها	دینداری	عوامل زمینه ای	التزام به مناسک	آگاهی و شناخت	سبک تربیتی	توجه به دین	نهادی شدن دین
ضریب	۰/۸۹	۰/۸۳	۰/۸۰	۰/۷۸	۰/۸۵	۰/۷۰	۰/۹۲

^۱ Applied

^۲ Extensive

^۳ Cross Sectional

^۴ Face Validity

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

فرهنگ دینی

تعریف نظری: تقید به مسائل دینی، مناسک و آداب و رسوم، عادات و روش های همه سازوکارهای بیانی، گفتاری، عاطفی و هیجانی و جز آنها. مجموعه باورها و نگرش ها، گرایش ها، ارزش ها و هنجارهایی است که به اشکال مختلف در رفتار اختیاری (فردی) و اجتماعی افراد متجلی می گردد (کافی، ۱۳۹۲).

تعریف عملیاتی: متغیر وابسته این پژوهش فرهنگ دینی است که در پنج بعد زیر مطرح می شود:

۱- بعد اعتقادی یا باورهای دینی، عبارت است از باورهایی که انتظار می رود پیروان آن دین بدان ها اعتقاد داشته باشند.

۲- بعد مناسکی یا اعمال دینی، شامل اعمال دینی مشخص همچون عبادت، نماز، شرکت در آیین های دینی خاص، روزه گرفتن و ... است که انتظار می رود پیروان هر دین آنها را به جا آورند.

۳- بعد تجربی یا عواطف دینی، ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است.

۴- بعد فکری یا دانش دینی، مشتمل بر اطلاعات و دانسته های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است که پیروان هر دین باید آنها را بدانند.

۵- بعد پیامدی یا آثار دینی، ناظر بر اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی

تعریف نظری: موقعیتی است که افراد در گروه های اجتماعی یا در مراتب یک گروه در مقایسه با گروه های دیگر احراز می کنند (حضرتی صومعه، ۱۳۹۵). افراد با پایگاه یکسان در بیشتر مواقع «الگوهای رفتاری و نگرشی» مشابهی نیز دارند (فرخی، ۱۳۸۹).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش تحصیلات، وضعیت اقتصادی و رفاه خانواده مد نظر قرار گرفته اند. الزام و تعهد فردی: که بر اساس اعتقادات و وجه عملی صورت می گیرد و شامل اوامر صریح و غیر صریح دینی می باشد.

تعلیم و تربیت دینی

تعریف نظری: به معنای تعلیم و تربیت متخذ از منابع دینی یا مجموعه آموزه های مربوط به تعلیم و تربیت که از منابع دینی اتخاذ شده است. در این معنا آنچه که محققان با استفاده از روش های معتبر از متون دینی

در باره تعلیم و تربیت استنباط می کنند، تعلیم و تربیت دینی (اسلامی) نامیده می شود. بر این اساس، نظام تعلیم و تربیت که شامل مبانی، اهداف، اصول، روش ها، مراحل و موانع تعلیم و تربیت است، می تواند از منابع و متون دینی اسلام استنباط گردد. در هر صورت، آن نظامی، نظام تعلیم و تربیت دینی (برگرفته از دین) خواهد بود که به پرورش همه ابعاد مختلف وجود انسان همچون بعد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی و دینی نظر دارد و چگونگی پرورش این ابعاد را از نظر آن دین خاص معرفی می کند (آقا محمدی، ۱۳۹۲).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش به منظور بررسی از آموزش صحیح راه و روش زندگی از طریق آموزه های دینی به فرزندان اطلاق می گردد که از طریق آموزش ها، اطلاع رسانی و دادن آگاهی های لازم در این زمینه صورت می گیرد (۷ گویه) - تمامی افراد نیازمند به تعلیم و تربیت دینی هستند.

نهادینه شدن

تعریف نظری: منظور اجتماعی کردن دینی است؛ فرآیندی که طی آن ارزش ها و باورهای دینی یک نسل به نسل بعدی انتقال می یابد. در این پژوهش در ۳ بعد سنجیده گردیده است: نظارت دینی والدین، اهداف والدین و استراتژی های جامعه پذیری. در نظارت دینی خانوادگی، میزانی که والدین احساس می کنند که فرزندان باید از دستورات و راهنمایی های آنان در مورد اعتقادات و موضوعات دینی پیروی کنند (هوک و همکاران، ۱۹۸۲). اهداف والدین، میزانی که والدین می خواهند فرزندان شان اعتقادات آنها را در مورد دین بپذیرند (آکاگاکاکی و همکاران، ۱۹۹۹) و استراتژی های جامعه پذیری شامل اعمال و روش هایی که والدین برای تعلیم و تربیت دینی فرزندان خود به کار می گیرند. ۵ گویه آن عبارت اند از: خانواده های امروزی مقیدتر به مسائل دینی فرزندان خود هستند، به نظر می رسد توجه خانواده ها به مسائل دینی بیشتر شده است، تربیت دینی خانواده ها در چهار دهه اخیر جامعه را به سوی زندگی اخلاقی سوق داده است، خانواده های امروزی کودکان را با آموزش های جدید، فرهنگ دینی را آشنا می سازند.

تعریف عملیاتی: نهادینه شدن در این پژوهش در ۳ بعد و توسط ۱۰ گویه سنجیده گردیده است: نظارت دینی والدین، اهداف والدین و استراتژی های جامعه پذیری. در نظارت دینی خانوادگی، میزانی که والدین احساس می کنند که فرزندان باید از دستورات و راهنمایی های آنان در مورد اعتقادات و موضوعات دینی پیروی کنند؛ اهداف والدین، میزانی که والدین می خواهند فرزندان شان اعتقادات آنها را در مورد دین بپذیرند و استراتژی های جامعه پذیری شامل اعمال و روش هایی که نسل بالغ برای تعلیم و تربیت دینی فرزندان و جوانان خود به کار می برند

تربیت خانوادگی

تعریف نظری: آموزش های که خانواده ها در طول زمان کسب می کند و به نسل بعدی منتقل می سازد (آقا محمدی، ۱۳۹۲).

تعریف عملیاتی: اصول و روش های که در طی چهار نسل اخیر که در اینجا مفاهیم دینی است توسط خانواده ها به فرزندان آموزش داده است مثل اجرای دستورات و فرامین دینی، توجه به اصول دین اسلام و ... که در ۷ گویه سنجیده شده است.

آموزش و اطلاع رسانی

تعریف نظری: منظور آموزش ها و اطلاعاتی است که فرد در حوزه مسائل دینی در طی سال های عمر کسب می نماید (احمدی، ۱۳۸۸).

تعریف عملیاتی: برای سنجش این متغیر استفاده از آموزه های دینی به فرزندان که شامل تربیت دینی، اطلاعات دینی از طریق در اختیار گذاشتن کتاب های دینی، آموزش از طریق ارگان ها و مراکز دینی مثل مساجد و... را در بر می گیرد که با ۷ گویه سنجیده می شود.

یافته های پژوهش

سیمای پاسخگویان

جدول ۲: ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان

میزان درآمد			اشتغال			مقطع تحصیلی			گروه سنی		
درصد	فراوانی	درآمد (به ریال)	درصد	فراوانی	اشتغال	درصد	فراوانی	تحصیلات	درصد	فراوانی	گروه سنی
۲۷/۷	۱۰۸	بدون درآمد	۳۳/۳	۱۳۰	کارمند دولتی	۱/۸	۷	زیر دیپلم	۱۹	۷۴	۲۰-۲۵
۲/۶	۱۰	زیر ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال	۱۹/۲	۷۵	کارمند خصوصی	۱۳/۱	۵۱	دیپلم	۲۶/۹	۱۰۵	۲۶-۳۰
۱۰	۳۹	۱۱۰۰۰۰۰۰-۱۵۰۰۰۰۰۰	۱۹/۷	۷۷	آزاد	۱۹/۷	۷۷	فوق دیپلم	۱۴/۱	۵۵	۳۱-۳۵
۲۷/۲	۱۰۶	-۲۰۰۰۰۰۰۰ ۱۶۰۰۰۰۰۰	۱۲/۳	۴۸	خانه دار	۴۳/۶	۱۷۰	لیسانس	۲۴/۶	۹۶	۳۶-۴۰
۱۲/۱	۴۸	-۲۵۰۰۰۰۰۰ ۲۱۰۰۰۰۰۰	۷/۴	۲۹	دانشجو	۱۹	۷۴	فوق لیسانس	۱۰/۸	۴۲	۴۱-۴۵
۱۱/۱	۴۳	-۳۰۰۰۰۰۰۰ ۲۶۰۰۰۰۰۰	۷/۹	۳۱	بیکار	۲/۸	۱۱	بی جواب	۴/۶	۱۸	به بالا-۴۶
۵/۳	۲۱	-۳۵۰۰۰۰۰۰ ۳۱۰۰۰۰۰۰									
۳/۳	۱۳	۳۶۰۰۰۰۰۰-۴۰۰۰۰۰۰۰									
۰/۵	۲	-۴۵۰۰۰۰۰۰ ۴۱۰۰۰۰۰۰									
۱۰۰	۳۹۰		۱۰۰	۳۹۰		۱۰۰	۳۹۰		۱۰۰	۳۹۰	جمع کل

یافته های توصیفی متغیرهای اصلی

یافته های توصیفی در خصوص متغیرهای مستقل تحقیق، حاکی از این است که انتقال فرهنگ دینی در چهار دهه اخیر به شکل زیر بوده است:

جدول ۳: آماره های توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق به صورت کل

متغیر	میانگین	انحراف معیار
میزان شناخت و آگاهی از آموزه های دینی	۱۴/۴۵	۳/۶۳
سبک تربیتی خانواده	۳۴/۸۹	۶/۲۶
التزام و تعهد خانواده	۲۵/۰۶	۵/۴۶
نهادینه شدن دین در خانواده	۴۴/۲۷	۹/۷۱
اهمیت و توجه خانواده به مسائل دینی	۲۷/۸۶	۴/۱۲
اعتقادات و باورهای افراد	۳۸/۲۰	۸/۱۳
نوع آموزش های ارائه شده در خانواده	۱۴/۴۵	۳/۶۳

یافته های استنباطی

برآورد آزمون نرمال بودن متغیرها (KS)

جدول ۴: آزمون نرمال بودن توزیع متغیر کولموگراف سیمرنف

آماره آزمون	سطح معنی داری
۶/۴۵	۰/۳۱۸

همان گونه که در جدول بالا مشاهده می گردد آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نمره فرهنگ دینی معنادار نیست ($p=0/318$) و بنابراین دارای توزیع نرمالی است و می توان از تحلیل های پارامتریک برای آن استفاده کرد.

بررسی همبستگی متغیرهای زمینه ای

فرضیه ۱: بین عوامل زمینه ای با انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵: بررسی همبستگی سن پاسخگویان

تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
۳۹۰	۳۲/۷۳	۷/۴۹	-۰/۰۸۸	۰/۸۱

از جمله عوامل زمینه ای که به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفت، سن پاسخگویان بود که با توجه به نتایج به دست آمده رابطه معنا داری بین سن و انتقال فرهنگ دینی وجود ندارد. سطح معنی داری بیشتر از $0.05 > P$ است.

جدول ۶: بررسی همبستگی اسپیرمن بر اساس جنس پاسخگویان

تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۳۹۰	۱/۴۳	۰/۴۳	۱	۰/۰۰۰

جنس پاسخگویان با انتقال فرهنگ دینی رابطه مثبت و معناداری دارد. به عبارتی، زن یا مرد بودن بر نحوه انتقال فرهنگ دینی در خانواده تاثیر گذار می باشد.

جدول ۷: بررسی همبستگی اسپیرمن بر اساس وضعیت تاهل پاسخگویان

تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۳۹۰	۱/۷۰	۰/۷۲۳	-۰/۱۸	۰/۳۶۳

وضعیت تاهل با انتقال فرهنگ دینی رابطه ندارد. در این پژوهش افراد مجرد، متاهل یا جدا شده ارتباط معناداری را با انتقال فرهنگ دینی نشان نداده اند. سطح معنی داری بیشتر از $0.05 > P$ است.

جدول ۸: بررسی همبستگی اسپیرمن بر اساس میزان تحصیلات

تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۳۹۰	۳/۶۷	۰/۹۹۷	۰/۰۳۵	۰/۴۹۴

میزان تحصیلات نیز رابطه ای با انتقال فرهنگ دینی ندارد، چون سطح معنی داری بیشتر از $0.05 > P$ است. به عبارتی چنانچه تصور می شود هر خانواده ای که از تحصیلات بالاتری برخوردار است نسبت به مسائل دینی بی تفاوت تر یا احساس مسئولیت بیشتری می کند در این پژوهش دیده نشده است.

جدول ۹: بررسی همبستگی اسپیرمن بر اساس نوع شغل

تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۳۹۰	۴/۸۳	۱/۷۵	۰/۳۶۸	۰/۰۰۰

نوع شغل و اشتغال پاسخگویان رابطه مثبت و معناداری با انتقال فرهنگ دینی در این پژوهش نشان داده است. به عبارتی، افرادی که شاغل بوده و دارای درآمد می باشند نسبت به انتقال فرهنگ دینی خود را متعهدتر دانسته اند- سطح معنی داری کمتر از $P < 0/01$ است.

آزمون ضریب همبستگی پیرسون

جدول ۱۰: آزمون ضریب همبستگی متغیرهای مستقل در انتقال فرهنگ دینی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	مقدار ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
میزان شناخت و آگاهی از آموزه های دینی	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۶۹۶	۰/۰۰۰
سبک تربیتی خانواده	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۹۲۴	۰/۰۰۰
التزام و تعهد خانواده	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۹۰۶	۰/۰۰۰
نهادینه شدن دین در خانواده	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۹۵۰	۰/۰۰۰
اهمیت و توجه خانواده به مسائل دینی	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۷۷۲	۰/۰۰۰
اعتقادات و باورهای افراد	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۹۴۰	۰/۰۰۰
نوع آموزش های ارائه شده در خانواده	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۶۹۶	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۱۰ در مورد فرضیات پژوهش:

فرضیه اول: بین شناخت و آگاهی خانواده از آموزه های دینی و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.

مقادیر ضریب همبستگی (۰/۶۹۶) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) به دست آمده نشان می دهد که بین شناخت و آگاهی خانواده از دین و انتقال فرهنگ دینی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

فرضیه دوم: بین سبک تربیتی خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.

ضریب همبستگی (۰/۹۲۴) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می دهد که بین سبک تربیتی خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

فرضیه سوم: بین التزام و تعهد خانواده و انتقال آن رابطه معناداری وجود دارد.

با ضریب همبستگی (۰/۹۰۶) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) بین دو متغیر رابطه معنادار و مثبتی در سطح وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین نهادینه شدن دین در خانواده ها و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد .

با ضریب همبستگی (۰/۹۵۰) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) بین نهادینه شدن دین در خانواده ها و انتقال فرهنگ دینی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد .

فرضیه پنجم: بین توجه خانواده به دین و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.

با ضریب همبستگی (۰/۷۷۲) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) بین دو متغیر توجه خانواده به دین و انتقال فرهنگ دینی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

فرضیه ششم: بین اعتقادات و باورهای مطرح در خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج به دست آمده نشان می دهد که با ضریب همبستگی (۰/۹۴۰) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) بین دو متغیر رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد .

فرضیه هفتم: بین نوع آموزش های ارائه شده در خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه به دست آمده نشان می دهد که بین آموزش های دینی در خانواده و انتقال فرهنگ دینی (۰/۶۹۶) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

تحلیل رگرسیونی تاثیر متغیرهای مستقل بر فرهنگ دینی

جدول ۱۱: تحلیل رگرسیونی تاثیر متغیرهای مستقل بر فرهنگ دینی

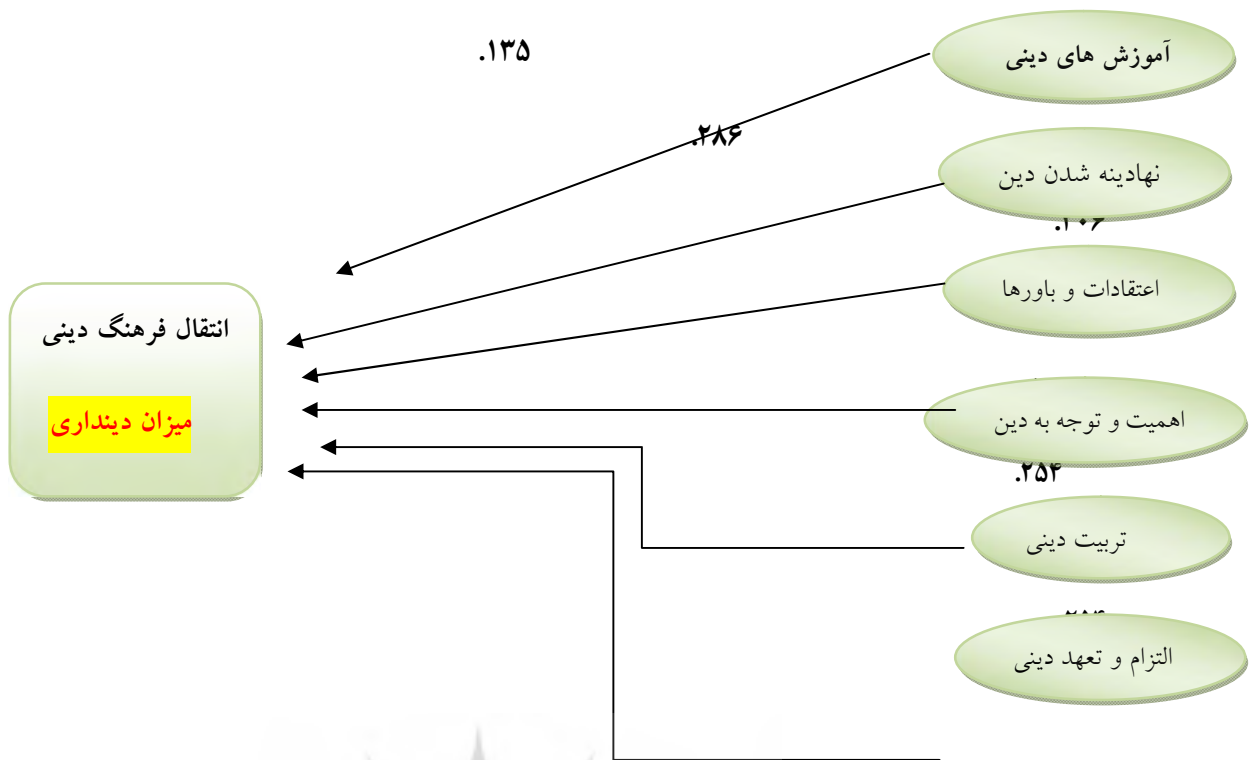
P	T	Beta	SE	B	متغیرهای تاثیر گذار بر انتقال فرهنگ دینی
۰/۰۰۰	-۶/۳۳	-	۱/۲۲	-۷/۰۹۷	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۴/۷۷	۰/۱۳۵	۰/۰۵۶	۰/۸۲۳	آموزش های دینی در خانواده
۰/۰۰۰۰	۱۱/۹۴	۰/۲۸۶	۰/۰۵۵	۰/۶۵۲	نهادینه شدن دین در خانواده
۰/۰۰۰	۸/۹۹	۰/۲۰۶	۰/۰۶۲	۰/۵۶۰	اعتقادات و باورهای دینی خانواده

۰/۰۰۰	-۱/۹۰	-۰/۰۲۳	۰/۰۶۳	-۰/۱۲۱	اهمیت و توجه به دین در خانواده
۰/۰۰۰	۱۲/۹۹	۰/۲۳۰	۰/۰۶۲	۰/۸۱۱	تربیت دینی در خانواده
۰/۰۰۰	۱۸/۴۵	۰/۲۵۴	۰/۰۵۶	۱/۰۲۹	التزام و تعهد خانواده به دین

$$R=۰/۹۹۲ \quad R^2=۰/۹۸۴ \quad SE=۲/۷۸ \quad df=۶$$

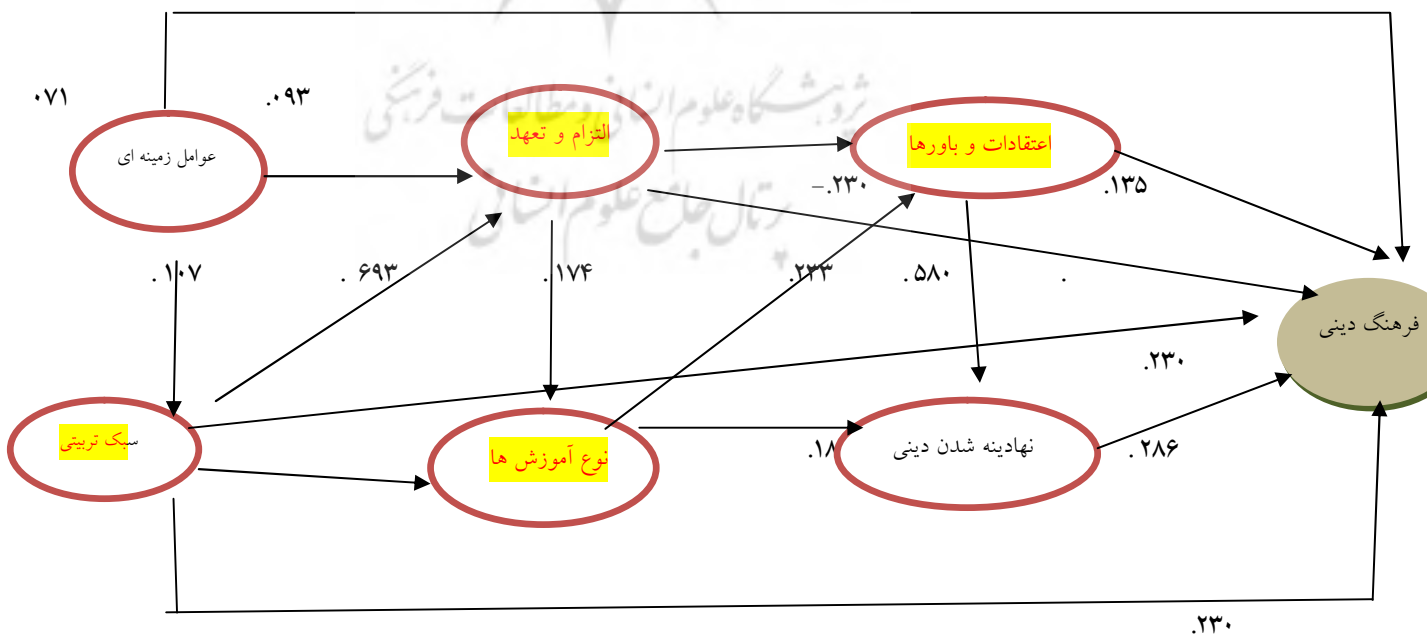
برای ارزیابی قدرت تبیین متغیرهای مطرح شده از رگرسیون چندگانه استفاده شد. با توجه به جدول ۱۱ و معنی داری آزمون $F(۴/۱۹)$ که در سطح خطای کمتر از (۰/۰۱) است، می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی مرکب از ۶ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته، مدل برازش شده مدل مناسبی است. بنابراین وارد مدل رگرسیونی می شوند و مجموعه ی متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند؛ به این معنی که ۶ زیر مقیاس زیر با متغیرهای نهادینه شدن دین در خانواده با وزن بتای (۰/۲۸۶) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) بیشترین تاثیر را در انتقال فرهنگ دینی دارد- یعنی با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در نمره نهادینه شدن، نمره فرهنگ دینی (۱۱/۹۴) افزایش خواهد یافت. همچنین با ضریب بتای (۰/۲۵۴) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) و افزایش یک واحد بر التزام و تعهدات دینی در خانواده (۱۸/۴۵) انتقال فرهنگ دینی افزایش خواهد یافت. متغیر سوم وارد شده تربیت دینی در خانواده با میزان بتای (۰/۲۳۰) است؛ یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار تربیت دینی، (۱۲/۹۹) افزایش می یابد. متغیر بعدی وارد شده اعتقادات و باورهای دینی در خانواده با میزان بتای (۰/۲۰۶) است؛ یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار باورهای دینی (۸/۹۹) واحد انحراف معیار انتقال فرهنگ افزایش می یابد. متغیر بعدی وارد شده آموزش های دینی در خانواده با ضریب بتای (۰/۱۳۵) است؛ یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار آموزش های دینی (۱۴/۷۷) واحد انحراف معیار انتقال فرهنگ دینی افزایش می یابد. در پایان باید گفت که اهمیت و توجه به مسائل دینی با ضریب بتای (۰/۰۲۳-) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمترین تاثیر را در انتقال فرهنگ دینی داشته است؛ یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار (۱/۹۰۷-) از انتقال فرهنگ دینی کاهش پیدا می کند. بر اساس مقادیر ستون Beta معادله رگرسیون مدل رگرسیونی بدین ترتیب

است:



$$Y = -7,097 + .823x_1 + .652x_2 + .560x_3 - .121x_4 + .811x_5 + 1,029x_6$$

● تحلیل مسیر^۱



^۱ Path Analysis

جدول ۱۲: محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم بر فرهنگ دینی

متغیر مستقل	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم
عوامل زمینه ای (شغل، تحصیلات، جنس و...)	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱۳	-۰/۰۰۰۳
نوع آموزش های ارائه شده در خانواده	۰/۱۳۳	۰/۰۰۲۰	۰/۱۳۵
اعتقادات و باورهای افراد	۰/۱۳۵	۰/۸۶۶	۱
سبک تربیتی خانواده	۰/۲۳۰	۰/۰۴۸	۰/۲۷۸
التزام و تعهد در خانواده	-۰/۰۲۳	۰/۰۲۵۵	۰/۰۰۲۵
نهادینه شدن دین در خانواده	۰/۲۸۶	-	۰/۲۸۶

از مجموع نتایج به عمل آمده در تحلیل مسیر می توان در ۲ قالب گزارش داد.

۱. متغیرهای که صرفاً به صورت مستقیم بر متغیر وابسته انتقال فرهنگ دینی (دینداری) تاثیر گذاشته اند.

۲. متغیرهای که علاوه بر تاثیر مستقیم، به صورت غیر مستقیم نیز بر متغیر وابسته فرهنگ دینی تاثیر گذاشته اند.

پس می توان اشاره نمود که تحلیل مسیر علاوه بر اینکه تاثیرات مستقیم را مورد سنجش قرار می دهد، تاثیرات غیر مستقیم را نیز بررسی نموده است.

۱. متغیرهای که به صورت مستقیم بر متغیر فرهنگ دینی تاثیر گذار بوده اند

متغیر نهادینه شدن دین در خانواده به صورت مستقیم با ۰/۲۸۶ بر فرهنگ دینی در خانواده تاثیر دارد. همچنین تربیت دینی خانواده با ۰/۲۳۰ که نشان می دهد به ازای یک واحد (انحراف استاندارد) تغییر در متغیر نهادینه شدن میزان انتقال فرهنگ دینی نیز افزایش می یابد.

۲. متغیرهای که به صورت غیر مستقیم و مستقیم بر فرهنگ دینی تاثیر گذاشته اند

متغیرهای عوامل زمینه ای (تاهل، سن و جنس) با ضریب مسیر -۰/۰۰۰۳، توجه و التزام به دین با ۰/۰۰۲۵، آموزش دینی با ۰/۱۳۵ و تربیت دینی با ۰/۲۷۸ و اعتقادات و باورهای دینی به ازای یک واحد (انحراف استاندارد) بر انتقال فرهنگ دینی خانواده ها تاثیر داشته است. همچنین به ازای هر واحد تغییر در هر یک از موارد به میزان انتقال فرهنگ دینی در خانواده ها افزوده خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

دین، تاثیر نیرومندی بر زندگی ابنای بشر دارد و همواره یکی از عناصر سازنده فرهنگ به شمار می‌آید. خانواده‌های ایرانی نیز از دیرباز با زمینه‌های مساعد محیطی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ارتباط عمیق و قلبی با فرهنگ و تمدن دینی داشته‌اند. خانواده یکی از اثرگذارترین متولیان آموزش دهنده فرهنگ، مسئولیت خطیری در انتقال مفاهیم و مقوله‌های دینی برای نسل‌های بعدی بر عهده دارد. آموزه‌ها و ارزش‌های کسب شده در خانه و خانواده باعث نهادینه شدن دین می‌شود و آن را برساخته و پرورش خواهد داد. این فرآیند به طور مداوم در جریان است و به غنا و تعمیق دین کمک خواهد نمود. از این رو، بحث درباره خانواده به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی که کارکرد اجتماعی کردن فرزندان را برعهده دارد. با قرار گرفتن در جریان و بطن جامعه نقش انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی از جمله دین را در یک پروسه زمانی طولانی بر عهده دارد. با نگاهی به سه نسل مختلف در چهار دهه اخیر متوجه تغییرات عمده‌ای در انتقال مفاهیم و ارزش‌های دینی به نسل‌های جدید می‌شویم که ناشی از تحولات گسترده‌ای که می‌باشد که در اثر تأثیر و تأثر متقابل عوامل گوناگون بر نحوه و نگرش اعتقادی و عملکرد مذهبی خانواده‌ها تأثیر گذاشته است. با این حال هنوز خانواده به عنوان اصلی‌ترین محیط پرورش و انعکاس اصول دین به شمار می‌آید.

آزمون تجربی فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین سن و انتقال فرهنگ دینی رابطه معنا داری دینی وجود ندارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهشی از جمله بحری پور و سایرین همخوانی ندارد. در تبیین این مورد می‌توان گفت که سن به عنوان یک مورد بستگی به محیط پرورشی و اجتماعی که فرد در آن میزید، دارد. افرادی که در یک برهه زمانی خاص مثل دوران بحران‌های اجتماعی، انقلاب‌ها، جنگ‌ها و... بوده‌اند، نوع نگرش و سبک ذهنی و عملی از دین و دینداری دارند که با افرادی از نسل‌های که چنین تجربیاتی را ندارند، متفاوت در شیوه و سبک دینداری می‌باشند. با بررسی از تاریخ در دهه ۵۰ و ۶۰ متوجه تغییرات عمده‌ای از افراد این نسل می‌شویم. به طور مثال، حتی نام گذاری فرزندان در این دوران بر اساس نام‌های ائمه بوده است. همچنین جنس پاسخگویان با انتقال فرهنگ دینی رابطه مثبت و معناداری دارد. به عبارتی، زن یا مرد بودن بر نحوه انتقال فرهنگ دینی در خانواده تأثیر گذار می‌باشد و مادران نقش مهمتر و تاثیرگذاری در انتقال فرهنگ دینی به فرزندان خود دارند. همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی وضعیت تاهل با انتقال فرهنگ دینی رابطه‌ای را نشان نداد. میزان تحصیلات نیز رابطه‌ای با انتقال فرهنگ دینی ندارد. به عبارتی چنانچه تصور می‌شود هر خانواده‌ای که از تحصیلات بالاتری برخوردار است نسبت به مسائل دینی بی تفاوت تر یا احساس مسئولیت بیشتری می‌کند در این پژوهش دیده نشده است. در صورتی که بر اساس پژوهش‌های متعدد به عمل آمده عواملی مثل رفاه مادی و

اقتصادی، تعداد اعضای خانواده، میزان تحصیلات، تاهل و حتی جنسیت در دینداری و پرورش دینی تاثیرگذار می باشند. بر اساس پژوهش جمشیدیها و همکاران (۱۳۹۳) با افزایش و تحولات مثبت در وجوه و شاخص های کلی کیفیت زندگی خانواده های دانشجویان، بر میزان دینداری افزوده می شود. نوع شغل و اشتغال پاسخگویان رابطه مثبت و معناداری با انتقال فرهنگ دینی در این پژوهش نشان داده اند. به عبارتی، افرادی که شاغل و دارای درآمد می باشند نسبت به انتقال فرهنگ دینی خود را متعهدتر دانسته اند.

در فرض دوم شناخت و آگاهی خانواده از مسائل دینی با میانگین عددی ۲/۸۹ از ۵ حاکی از آن است که افراد مورد مطالعه در این پژوهش نسبت به فرآیند فرهنگ دینی منتقل شده چندان مطلع نمی باشند و کمتر احساس تعهد نسبت به درک مقوله های دینی کسب شده دارند.

یکی دیگر از متغیرهای تأثیر گذار در انتقال فرهنگ دینی سبک تربیتی خانواده ها می باشد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که خانواده نقش مهمی در پرورش و آموزش اعتقادات و باورهای دینی دارد (میانگین ۳/۹۹ از ۵). نتایج این فرضیه با نتایج آقا محمدی و مولینز همخوانی دارد. در خانواده های که فرزندان آنان به طور مرتب در مراسم و مناسبت های گوناگون به همراه خانواده حضور پیدا می کنند و سبک تربیتی خانواده مشارکتی است، به مراتب از نظر روانی و اجتماعی کمتر دچار آسیب می شوند. شیوه و نوع تربیتی والدین تأثیر بسزایی با سمت گیری و پایبندی به اصول مذهبی در بین فرزندان که نسل بعدی به شمار می آیند ارتباط تنکاتنگی دارد.

التزام و تعهد خانواده به عنوان یکی دیگر از متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش است. تعهدات نظری و عملی خانواده نسبت به اصول دینی همانند نماز خواندن، روزه گرفتن، اعتقاد به ثواب و عقاب، نذری دادن و... از مواردی است که در خانواده های ایرانی به عنوان یک امر اجتناب ناپذیر تلقی می گردد. برگزاری مراسم سوگواری یا اعیاد خاص از گذشته های دور جزو زندگی و آداب و سنن می باشد و نسل اندر نسل خانواده ها معتقد و ملزم به آن می باشند.

شیوه آموزش خانواده در گسترش و تعمیق فرهنگ دینی مورد تایید است. بر اساس ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۹۶) نشان می دهد که رابطه معنی داری بین نوع آموزش و انتقال فرهنگ دینی وجود دارد. در مورد آموزه های دینی این نکته حائز اهمیت است که با رشد و گسترش علوم و تکنولوژی تلاش والدین برای آموزش یک سویه و یک طرفه امکان پذیر نمی باشد. وسایل ارتباط جمعی، رسانه ها، محافل دوستان، بحث و تبادل نظر پیرامون دین و... خانواده ها و فرزندان آنان را در شبکه های گسترده و مواجی از مسائل گوناگون قرار داده است و آموزش را به شکل بازتابی به تعبیر گیدنز درآورده است که در بسیاری از موارد نسل های گذشته را ناچار به بازاندیشی در فرهنگ سنتی دریافت شده قرار می دهد.

نهادینه شدن دین در ایران با میانگین عددی (۳/۷۰ از ۵) نشانگر آن است که دین در چهار بعد مورد بررسی اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی این پژوهش همچنان در بین خانواده های مورد پژوهش ساری و جاری می باشد. یافته های این پژوهش با یافته های آزاد ارمکی و همکاران همخوانی کامل دارد. دین همچنان به عنوان مهمترین نهاد در جامعه به شمار می آید.

اعتقادات و باورهای دینی نیز با میانگین عددی (۳/۵۸ از ۵) نشان از آن دارد که خانواده های مورد پژوهش از اعتقادات به نسبت متوسطی در حوزه دین به ارث رسیده برخوردار می باشند. این اعتقادات در برخی از زمینه ها بسیار قوی خود را نشان می دهد و در عرصه های دیگر مثل نماز خواندن، روزه گرفتن، حجاب، رفتن به مسجد و... ضعیف تر می باشد. یافته های این پژوهش با تحقیقات انجام گرفته توسط میرسنده و سراج زاده همخوانی دارد.

آخرین فرضیه مورد بررسی اهمیت و توجه به دین در خانواده می باشد. خانواده مهمترین رکن جامعه که کارکرد جامعه پذیری اعضایش را برعهده دارد، نقش مهمی در شکل دهی به هویت فردی اعضا دارد. اریکسون معتقد بود که مذهب از طریق نهادهای دینی و خانواده می تواند به نوجوان در کسب هویت فردی و اجتماعی یاری رساند. به عقیده او زمانی که نوجوان قادر به یافتن ارزش های مثبت در خانواده و فرهنگ نباشد و ایدئولوژی منسجم و قابل قبولی ارائه نکرده، دچار از هم ریختگی عقیدتی و هویتی می گردد.

پیشنادهای پژوهش

- با توجه به تغییرات جمعیتی، علمی و فنی، خانواده ها باید در ارائه و آموزش های دینی آگاهانه تر، منعطف تر و عقلانی تر عمل نمایند.
- لازم است که اصول و مسائل دینی با زبان و زمان حال به نسل های جدیدتر ارائه گردد.
- همبستگی و همفکری با نوجوانان و جوانان در مسائل گوناگون از جمله مسائل مذهبی عامل موثری در گسترش فرهنگ دینی به شمار می آید.
- فراهم کردن فضا و زمان مناسب جهت بحث و گفتگوی آزاد با کودکان و نوجوانان و پاسخگویی به سوالات آنان باعث می شود تا فرزندان نسبت به مسائل دینی آگاه تر گردند.
- هدایت و راهنمایی فرزندان با نظارت بر رفتار و عملکرد آنها همواره از شیوه هایی به شمار می آید که بر فرهنگ دینی تاثیرگذار می باشد.

- توجه والدین به رعایت اصول و موازین دینی در خانواده به آشنایی بیشتر فرزندان با دین کمک می کند.
- در دسترس قرار دادن منابع غنی فرهنگی- اجتماعی با توجه به نیازهای روز برای کودکان و نوجوانان، نقش مهمی دارد.
- حمایت های عاطفی- رفتاری از فرزندان تاثیر مثبتی بر نگرش ها و رفتارهای دینی دارد.
- اجرای برنامه های فرهنگی- آموزشی با رویکرد های روانشناختی ، تربیتی و اجتماعی برای اعتلای فرهنگ دینی ضروری است.
- همکاری و هماهنگی آموزش و پرورش، دانشگاه و حوزه به منظور تبادل اطلاعات و گسترش اندیشه دینی لازم است.
- استفاده از تکنولوژی و فناوری های نوین برای پاسخگویی مناسب به نسل های جدید ضروری است.



منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۷). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. باقر پرهام. تهران: علمی فرهنگی
- آزاد ارمکی، تقی، نائبی، هوشنگ (۱۳۸۵). «دانشگاه، مدرنیته و دینداری». پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی. شماره ۲۸.
- آقا محمدی، جواد (۱۳۹۲). «نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان». پژوهشنامه تربیت.
- احمدی، یعقوب (۱۳۸۸). «وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها (مطالعه موردی: شهر سندج)». نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی. سال اول، شماره ۱.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. مریم وتر. تهران: انتشارات کویر
- برگر، پیتر و لاکمن، تامس (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت*. فریبرز محمدی. تهران: نشر علمی و فرهنگی
- بحری پور، مجتبی (۱۳۷۸). «تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی دانشجویان بر میزان دینداری آنان». پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- پترسون، مایکل (۱۳۸۳). *عقل و اعتقاد دینی؛ درآمدی بر فلسفه دین*. احمد نراقی و دیگران. تهران: طرح نو
- حبیب پور گتایی، کرم و صفری شالی، رضا (۱۳۹۵). *راهنمای جامع کاربرد Spss در تحقیقات پیمایشی*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات لویه
- حسنی، طیبه و حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۵). «مطالعه جامعه‌شناختی انتقال بیننسلی فرهنگ دینی از طریق خانواده در جامعه معاصر ایران (مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر کرج سال تحصیلی ۹۴-۹۵)». رساله دکتری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۵). «میزان دینداری زنان دانشجو و عوامل اجتماعی موثر در آن (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)». فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. سال نوزدهم، شماره ۷۳.

- حسین زاده، علی حسین و دیگران. (۱۳۸۸). «بررسی میزان دینداری و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر. سال سوم، پیش شماره ششم.
- رستگار خالد، امیر. (۱۳۹۲). «سرمایه اجتماعی خانواده و دینداری جوانان». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ششم، شماره ۳، صص ۸۶-۵۵.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۷۸). «خانواده، دانشگاه و جامعه پذیری مذهبی». نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۳.
- گنجی، محمد. (۱۳۸۳). «تبيين وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). راه سوم و بازسازی سوسیال دموکراسی. منوچهر محسنی. تهران: نشر تیرازه
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). پیامدهای مدرنیته. محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز
- معیدفر، سعید. (۱۳۷۹). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۴.
- مهدوی، محمدصادق. (۱۳۷۹). «سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن». پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- هرویولز، دانیل. (۱۳۸۰). انتقال و شکل گیری هویت های اجتماعی دینی در مدرنیته. محمود نجاتی حسینی. فصلنامه پژوهش. سال پنجم، شماره ۲۰.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷). جامعه شناسی دین. محسن ثلاثی. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان
- Hunsberger, B. & Brown, L. B. (۱۹۸۴). “**Religious Sociolization, Apostasy and the Impact of Family background**”. Journal for the Scientific Study of Religion, v. ۲۳, No. ۳, p. ۲۳۹-۲۵۱.
- Hoge, D. R., et al. (۱۹۸۲). **Transmission of Religious and Social Values from Parents to Teenage.**
- Mullins, David, F. (۲۰۱۶). “**The effects of religion on enduring marriage**”. Journal of family Issue, ۳۵ (۲۰۱۶): ۱۲۵۵-۷۸.

- Okagaki, L., et al. (۱۹۹۹). “**Socialization of Religious Beliefs**”. Journal of applied Developmental Psychology, v. ۲۰(۲), p. ۲۷۳-۲۹۴.

A Sociological Study on the Transition of Religious Culture through Families to Young People in the Last Four Decades (Case study: Tehran in ۱۳۹۷)

Soheila Mobarak

Ph.D Student in Cultural Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zahra Hazrati Someeh

Ph.D ., Assistant Professor, Sociology Department, Faculty of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Bagher Saroo Khani

Ph.D ., Full Professor, Sociology Department, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: ۱۰ Oct. ۲۰۱۸

Accepted: ۱۲ Feb. ۲۰۱۹

The study is to study the sociological study on the Transition of religious culture through families to young people in the last four decades. Theoretical framework in present study benefited from the views of Berger and Lockman, Inglehart, Giddens, Glock, and Stark. The research method is descriptive-explanatory. The statistical population consisted of the youth of the last four decades in Tehran, the sample size was ۳۹۰ people using Cochran formula and the samples were selected using cluster sampling and random sampling. To collect data, a questionnaire with interview and observation technique was used which has formal and reliable content validity with Cronbach's alpha of ۰/۸۳. Findings showed that religious culture significantly and directly correlates with the institutionalization of religion in the family. Among the studied age groups, there was a significant and negative difference in the religious culture of the last four decades. Also, the findings from the multiple regression model showed that the variables of religious education, beliefs, education, commitment and commitment of the family towards religion were among the influential and significant factors in the transfer of religious culture in the last four decades.

Key Words: Religious Culture, Youth, Family, Religiosity and Generation

